

رابطه سرمایه اجتماعی و هراس از تعرض در محله‌های شهر خرم‌آباد

قربانعلی سبکتکین^{*}، مجتبی ترکرانی^{**}، ایرج حق‌ندری^{***}

چکیده

برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت در زندگی شهری امروزه اهمیت زیادی دارد و یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه پایدار اجتماعی محسوب می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و هراس از تعرض در سطح محله‌های شهر خرم‌آباد است. برای نیل به این هدف، از نظریه‌های سرمایه اجتماعی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. روش تحقیق مورد استفاده پیمایش است و داده‌ها از نمونه‌ای به حجم ۲۴۵ نفر با ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های رگرسیون خطی، تی، تحلیل واریانس یک‌طرفه، مقایسه‌های چندگانه شفه و مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که تعرض به پسران نوجوان، تعرض به دختران و زنان و زورگیری شایع‌ترین مصادیق هراس از تعرض هستند. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد متغیرهای مشارکت محله‌ای، رعایت هنجارهای درونی‌شده، اعتماد محله‌ای، تعلق طایفه‌ای، سن و مدت سکونت در محله با متغیر هراس از تعرض رابطه دارند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که متغیرهای رعایت هنجارهای درونی‌شده، اعتماد محله‌ای، تعلق طایفه‌ای و سن به اتفاق همدیگر ۵۸ درصد از تغییرات هراس از تعرض در سطح محله‌های شهر خرم‌آباد را تبیین می‌کنند. لذا در بسترهای اجتماعی مانند شهر خرم‌آباد که هنوز پیوندهای سنتی نسبتاً قوی مانده‌اند، استفاده از متغیر تعلق طایفه‌ای می‌تواند به‌عنوان بُعدی از سرمایه اجتماعی (در شکل سنتی آن) مفید واقع شود. بنابراین می‌توان گفت طایفه‌گرایی شاید در حوزه‌هایی کارکرد منفی داشته باشد، اما در زمینه ترس از تعرض نقش مثبتی را بازی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هراس از تعرض، سرمایه اجتماعی، اعتماد محله‌ای، تعلق طایفه‌ای.

Saboktakin_faz@yahoo.com

Tarkarani@yahoo.com

Irajnadri@ymail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

** دکتری جامعه‌شناسی توسعه از دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۳

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۷۷-۹۸

بیان مسئله

امروزه مطالعه هراس از تعرض و عوامل مرتبط با آن به علت تاثیرات منفی که بر زندگی روزمره افراد و جامعه دارند، موضوع بسیار مهمی محسوب می‌شود. ترس احساسی است که فرد از تجربه مستقیم قربانی شدن در برابر جرایم تجربه می‌کند، مانند وقتی که مورد سرقت یا آزار قرار می‌گیرد. ولی احساس خطر یا ترس ناشی از آگاهی از خطری است که می‌تواند موجب آسیب و خسارت گردد (نیکلسون^۱، ۲۰۱۰: ۹). مفهوم هراس از تعرض به ترس پیش‌بینی شده، یعنی ترسی که با تصور از وقوع عملی مجرمانه ایجاد می‌شود اشاره نموده و عوامل مؤثر بر سطوح این ترس را بر افراد و اجتماعات مورد مطالعه قرار می‌دهد (یورگنسون^۲، ۲۰۰۸: ۳۷).

عوامل زیادی موجب بروز و ظهور هراس از تعرض در محله‌ها می‌شوند. در این میان می‌توان به روابط همسایگی، بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی، تنوع قومیتی (عربی و احمدی، ۱۳۹۲)، مدت زمان سکونت در محله، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر (رضوان و فتاحی، ۱۳۹۱)، احساس امنیت و وجود اراذل و اوباش در محل (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۲)، تجربه بزه‌دیدگی، حضور پلیس و اعتماد اجتماعی (صدیق سروسرستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰) اشاره نمود.

هراس از تعرض پیامدهای متعددی از جمله احساس ناامنی، بی‌اعتمادی به دیگران، اضطراب و احساس خطر، ترس از غریبه‌ها یا نگرانی از زوال امنیت و اخلاق در محل زندگی و ایجاد محدودیت در روابط اجتماعی داشته و در نهایت می‌تواند سبب افزایش سطح اضطراب و افسردگی، عدم اعتماد میان افراد و اختلال در سلامت و رفاه جامعه گردد (هینکل^۳، ۲۰۰۹: ۷۴؛ یورگنسن، ۲۰۰۸: ۳۸).

یکی از مفاهیم بااهمیت و پرکاربرد در زندگی افراد در همه جوامع سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند، اشاره دارد. این منابع شامل اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب‌وکار، سرمایه مالی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری می‌شود (بیکر^۴، ۱۳۸۲: ۴۰). علاوه بر این، آمار انحرافات اجتماعی به‌ویژه سرقت از منازل، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، سرقت

¹ Nicholson

² Jorgensen

³ Hinkle

⁴ Becker

لوازم خودروهای پارک‌شده در سطح شهر، سرقت گوشی‌های تلفن همراه در حین صحبت کردن در خیابان روند افزایشی قابل توجهی را نشان می‌دهد (پایگاه اطلاع‌رسانی سفیر افلاک، ۱۳۹۵؛ پایگاه خبری یافته، ۱۳۹۵؛ انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۵). همچنین وجود آسیب‌های اجتماعی جدید از جمله هم‌باشی پسران (حق‌ندری، زمانی مقدم و سپهوند، ۱۳۹۵) در شهر خرم‌آباد موجب نگرانی خانواده‌ها و افزایش احساس هراس از تعرض در بین شهروندان این شهر شده است. تجارب زیسته و مشاهدات پژوهشگران از دغدغه خانواده‌های اقشار متوسط و بالای شهر در مورد تعرض به فرزندان نوجوانشان در باشگاه‌های ورزشی و فضاهای عمومی در چند سال اخیر، اقدام خانواده‌ها به گرفتن آژانس برای فرزندان‌شان در مسیر منزل تا مدرسه و انعکاس نگرانی‌هایشان به مدیران مدارس را می‌توان نمودی از این هراس تعبیر نمود. واقعیت‌های فوق پژوهشگران را بر آن داشت تا موضوع را به صورت منظم و علمی مورد بررسی قرار دهند. با توجه اینکه نقش پُراهمیت سرمایه اجتماعی در تسهیل روابط اجتماعی، در اغلب تحقیقات مربوط به هراس از تعرض، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و نیز اهمیتی که سرمایه اجتماعی می‌تواند در جامعه‌ای همچون لرستان در جلوگیری از احساس ناامنی و ترس از تعرض داشته باشد، تحقیق حاضر به دنبال این بررسی است که سرمایه اجتماعی به چه میزان بر ترس شهروندان خرم‌آبادی از تعرض مؤثر است و چه رابطه‌ای بین ابعاد سرمایه اجتماعی و هراس از تعرض در بین محله‌های شهر خرم‌آباد وجود دارد.

پیشینه تجربی

امنیت و احساس امنیت از متغیرهایی هستند که اهمیت ویژه‌ای در زندگی افراد دارند و در عین حال از پیش‌نیازهای مهم توسعه پایدار محسوب می‌شوند. با توجه به اهمیت موضوع امنیت و احساس امنیت تحقیقات متعددی در مورد هراس از تعرض و عوامل تبیین‌کننده آن صورت گرفته است که در ذیل به مرور معدودی از آنها پرداخته می‌شود.

احمدی و عربی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم در شهر کرج» ۴۱۳ نفر از شهروندان شهر بالای هجده سال کرج را با روش پیمایش و تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین متغیرهای تعلق خاطر به محله، روابط همسایگی، بی‌نظمی فیزیکی، بی‌نظمی اجتماعی، تنوع قومیتی و رضایت از پلیس با هراس از تعرض رابطه وجود دارد. همچنین، روابط بین ساکنان تابع نابسامانی اجتماعی و منازعه فرهنگی است و هراس از تعرض نیز در تقابل با این دو عامل افزایش می‌یابد.

صدیق سروستانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰) در پیمایشی با عنوان «مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری: مطالعه‌ای در منطقه پنج شهر تهران» ۳۸۶ نفر از ساکنان محله جنت‌آباد شمالی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی است که بی‌نظمی

در محله مهم‌ترین تبیین‌کننده ترس از جرم است. همچنین، تجربه بزه‌دیدگی و رضایت از محله نیز تأثیر چشمگیری بر سطح هراس از تعرض شهروندان دارند.

احمدی، عربی و صادق‌زاده تبریزی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با ترس از جرم زنان و مردان ساکن در شهر کرج» با روش پیمایش و تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که تنها متغیر بی‌نظمی محله‌ای به صورت مشترک در میان مردان و زنان رابطه معناداری با ترس از جرم دارد. همچنین، ترس از جرم در زنان با متغیرهای پیوند محله‌ای، رضایت از پلیس، سن و نوع مسکن و در مردان با متغیرهای تعلق خاطر به محله، مدت اقامت در محله و ناهمگونی قومیتی رابطه دارد.

جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۲) پیمایشی با عنوان «بررسی اثرات هویت محله‌ای بر میزان جرائم شهری: مورد پژوهش شهر ورامین» انجام داده است. نتایج نشان داد که میزان هویت و حس تعلق شهروندان ورامین به محله‌های خود در حد پایین است. در این میان «وجود ارادل و اوباش» یکی از شاخص‌های جرائم شهری است که وضعیت به مراتب بدی نسبت به سایر شاخص‌ها دارد و متقابلاً شاخص «مصرف مواد مخدر و حضور علنی معتادان» در بین ساکنین وضعیت مناسبی را داراست. یافته‌ها نشان دادند که هر وقت تعامل و ارتباط بین مردم در سطح محله‌ها بیشتر بوده، به موازات آن ترس و نگرانی مردم از انواع جرائم شهری نیز کاهش یافته است.

رضوان و فتحی (۱۳۹۱) پیمایشی تحت عنوان «بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری؛ در ناحیه سه، منطقه هفده شهرداری تهران» انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که بین ساکنان محله‌های مورد مطالعه از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت معناداری وجود دارد. متغیرهای مدت زمان سکونت در محل و احساس تعلق مکانی افراد، به طور معناداری در احساس ناامنی آنان مؤثرند، اما متغیرهای سن، تعداد خانوار در واحد مسکونی و میزان شناسایی محله توسط افراد، عموماً در احساس ناامنی ساکنان تأثیرگذار نیستند. سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹) پیمایشی با حجم نمونه ۳۰۰ نفر تحت عنوان «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم: مطالعه مقایسه‌ای مناطق سه و دوازده شهر تهران» انجام دادند و دریافتند که بی‌نظمی اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با ترس از جرم دارد و بعد از آن، متغیر نگرانی اجتماعی قرار می‌گیرد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که پنج متغیر احساس بی‌نظمی، تعلق خاطر به اجتماع، احساس نگرانی، روابط محله‌ای و رضایت از پلیس، ۲۲ درصد از تغییرات متغیر هراس از تعرض را تبیین می‌کنند.

دیزن^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل انتقادی از ترس از جرم در محیط دانشگاهی» به بررسی ادراک ترس از جرم در نمونه‌ای به حجم ۱۶۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تگزاس در آرلینگتون پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این است که دانشجویان دختر احساس امنیت کمتری نسبت به دانشجویان پسر دارند. همچنین، دختران بیش از پسران خود را در معرض خطر تجاوز جنسی هنگام شب در محوطه دانشگاه می‌دانند. اسکاربرو^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی ذیل عنوان «بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی، بافت محله‌ای و ترس از جرم» نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر از ۴۵ منطقه شهر کانزاس را با روش پیمایش بررسی کردند و دریافتند که ساختار محله‌ای به‌عنوان عامل مؤثر ترس از ارتکاب جرم با کنترل متغیرهای نژاد، سن، جنسیت و تحصیلات نقش مهمی ایفا می‌کند. یورگنسون (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات محیط و اجتماع بر ترس از جرم» نتیجه می‌گیرد که تأثیرات متقابل معناداری بین نشانه‌های محیطی و اجتماعی و ترس از جرم وجود دارد. همچنین، جنسیت تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای در ادراک فرد از نشانه‌های محیطی به‌عنوان یک تهدید فراهم می‌کند.

همان‌گونه که مرور تحقیقات انجام‌شده مرتبط با ترس از جرم نشان می‌دهد، اکثر محققان از نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و مؤلفه‌های آن (بی‌نظمی اجتماعی و بی‌نظمی فیزیکی) به‌عنوان چارچوب نظری خود استفاده کرده‌اند. درحالی‌که تحقیق حاضر نظریه سرمایه اجتماعی را به‌عنوان بدیلی برای این نظریه آزمون کرده است. همچنین، با توجه به اینکه خرم‌آباد شهری نسبتاً سنتی است و طایفه‌گرایی و داشتن روابط با خویشاوندان هم‌طایفه اهمیت زیادی دارد، لذا متغیر تعلق طایفه‌ای نیز به‌عنوان بُعدی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است که از این حیث، تحقیق حاضر نسبت به تحقیقات مشابه به‌نوعی واجد مزیت نسبی و نوآورانه است.

چارچوب نظری

در این تحقیق از نظریه‌های سرمایه اجتماعی به‌عنوان چارچوب تبیین‌کننده هراس از تعرض استفاده شده است؛ چه‌بسا در این نظریه‌ها سعی شده رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (مانند تعلق محله‌ای، اعتماد و...) با ترس از تعرض تبیین گردد. از همین رو، در اینجا به مفهوم عام‌تری به نام سرمایه اجتماعی پرداخته و شکل‌های سنتی و مدرن سرمایه اجتماعی به‌عنوان شکل عام سرمایه اجتماعی در نظر گرفته و رابطه آن با ترس از تعرض تبیین شده است. سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی، سنت‌ها و قواعد غیررسمی هر جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی،

¹ Deason

² Scarborough

۱۳۸۱). بورديو معتقد است كه سرمايه اجتماعي ريشه تمام سرمايه‌هاست و علاقه‌مند است كه از نحوه تركيب آن با ديگر انواع سرمايه براي ايجاد و توليد مجدد نابرابري اطلاع يابد (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۳). سرمايه اجتماعي را مي‌توان مجموعه منابعي تعريف كرد كه ميراث روابط اجتماعي‌اند و كنش جمعي را تسهيل مي‌كنند. اين منابع كه از طريق اجتماعي‌شدن مناسب حاصل مي‌شوند، دربرگيرنده اعتماد، هنجارها و شبكه‌هايي از پيوندهاي اجتماعي است كه موجب گردآمدن افراد به صورتي منسجم و با ثبات در داخل گروه به‌منظور تأمين هدفی مشترك مي‌گردد (زاهدي، ۱۳۸۲: ۲۷۴؛ تاجبخش، ۱۳۸۵: ۲۹). از ديده‌گاه كلمن سرمايه اجتماعي نشان‌دهنده آن است كه چگونه ساختار اجتماعي يك گروه مي‌تواند به‌عنوان منبعي براي افراد آن گروه عمل كند. شاخص‌هاي پيشنهادي وي براي سنجش سرمايه اجتماعي عبارتند از: تعهدات ايجادشده، دسترسی به اطلاعات، كسب اقتدار، كسب هويت سازماني و استقرار در مكان هنجارهاي اجتماعي (كلمن، ۱۳۸۶). كلمن سرمايه اجتماعي را با كار كرد آن تعريف مي‌كند. او سرمايه اجتماعي را چيزهاي گوناگوني مي‌داند كه دو ويژگي دارند: اول اينكه همه آنها جنبه‌اي از ساختار اجتماعي را شامل مي‌شوند، و دوم اينكه تسهيل‌كننده كنش‌هاي افراد درون ساختارند. سرمايه اجتماعي مانند شكل‌هاي ديگر سرمايه مولد است و دستيابي به برخي اهداف را كه در نبودن آن دست‌نيافتني خواهد بود، امكان‌پذير مي‌سازد (كلمن، ۱۳۸۶: ۴۵۸-۴۶۷).

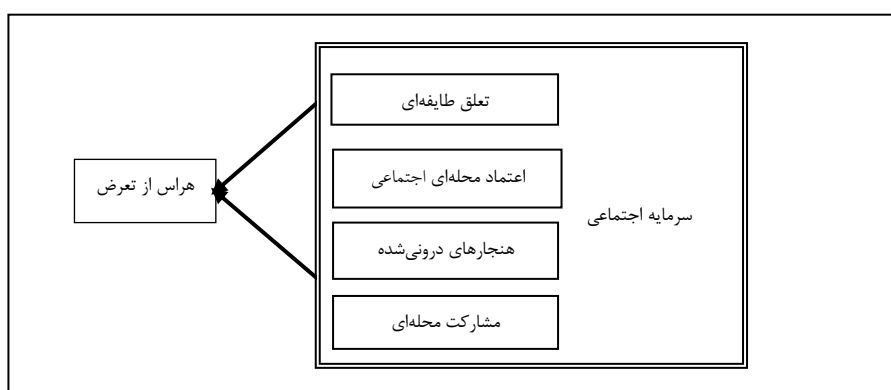
پاتنام ديگر نظريه‌پرداز اين مفهوم، سرمايه اجتماعي را داراي دو بُعد ساختي (عيني) و شناختي (ذهني) مي‌داند. وي بُعد ساختي را شامل شبكه‌هاي روابط متقابل و بُعد شناختي را داراي دو بخش اعتماد و هنجارها مي‌داند. او اين ابعاد را ويژگي‌هاي اساسي سازمان اجتماعي تعريف مي‌كند كه از طريق ارتباط و مشاركت بهينه ميان اعضاي يك اجتماع حاصل شده و تسهيل‌كننده منافع متقابل آنان است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۹۵). پاتنام عمده‌ترين ابعاد در سنجش مفهوم سرمايه اجتماعي را در پنج محور ارائه مي‌دهد: ۱- زندگي سازماني (با استفاده از معرف-هاي حضور در سازمان‌هاي محلي، ارائه خدمات در سازمان‌ها يا كلوب‌هاي محلي)، ۲- مشاركت در امور عمومي (شركت در انتخابات رياست جمهوري و حضور در نشست‌هاي عمومي در شهر يا امور مدرسه)، ۳- مشاركت در امور داوطلبانه (حضور در سازمان‌هاي داوطلبانه، شركت در طرح‌هاي اجتماعي، و انجام كارهاي داوطلبانه و عام‌المنفعه)، ۴- انجمن‌پذيري غيررسمي (داشتن روابط با دوستان، خويشاوندان و همكاران)، و ۵- اعتماد محله‌اي (محمدي، ۱۳۸۴).

سرمايه اجتماعي دربرگيرنده مفاهيمي همچون اعتماد، همكاري و همياري ميان اعضاي يك گروه يا يك جامعه است كه نظام هدفمندی را شكل مي‌دهد و آنها را در جهت دستيابي به هدف‌هاي ارزشمند هدايت مي‌كند. اين نوع سرمايه به‌طور ذاتي در ساختار روابط متقابل كنشگران با هم و رابطه بين آنها حضور دارد (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۴۹).

سرمایه اجتماعی پدیده‌ای فردی نیست، بلکه برخلاف سرمایه انسانی متعلق به گروه‌هاست و نه افراد. به‌طوری‌که هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنی‌دار هستند که بیش از یک فرد در آنها سهیم باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲).

هراس از تعرض را واکنشی عاطفی و شناختی به محرک‌های مرتبط با جرم تعریف کرده‌اند (فرگوسن و میندل^۱، ۲۰۰۷). بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که سطح احساس خطر افراد در محل زندگی، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای ترس عاطفی است. مطالعات اولیه تمرکز بیشتری بر ارتباط میان متغیرهای اجتماعی جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، نژاد، سن و... با احساس خطر داشته‌اند. تأکید اصلی تحقیقات اخیر در این حوزه، جایگاه تمایز مفهومی میان تصور ادراکی از خطر و ترس بالفعل از جرم است (سروستانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰).

ترس از تعرض یا مورد تجاوز قرارگرفتن در جامعه‌ای که نهادهای میانجی آن مانند دولت ضعیف هستند و تنها روابط افراد براساس موازنه قدرت تا حد زیادی تعیین‌کننده‌اند و این روابط قدرت افراد تا حد زیادی تابع سرمایه اجتماعی است. به عبارتی کسی که دارای قدرت بیشتری است قدرت خود را به اشکال مختلف بر دیگران و زیردستان اعمال می‌کند. مشروعیت قدرت سلطه‌گر لزوماً به ویژگی‌های فردی او بر نمی‌گردد، بلکه جایگاه اجتماعی او و منابع تحت نفوذ او و جایگاه طرف مقابل نیز در این موازنه قدرت تأثیر بسزایی دارد. در جوامع نیمه مدرن، حمایت اجتماعی فرد یا به عبارت دیگر؛ سرمایه اجتماعی فرد تعیین‌کننده میزان قدرت اوست. یعنی فرد اعمال‌کننده قدرت و تعرض‌کننده در صورتی که بداند شخص زیردستش از حمایت فرد، خانواده، طایفه یا دوستانی قدرتمندتر برخوردار است، به خودش اجازه تعرض به او را نمی‌دهد. بنابراین در وضعیتی که نهادهای دولتی، مدنی و غیررسمی حضور نداشته یا حضورشان کم‌اثر باشد، موازنه قدرت و تعرض و تجاوز را در محلات، میزان سرمایه اجتماعی اشخاص تعیین می‌کند. در چنین جامعه‌ای، خانواده‌های دارای فرزندان مذکر بالغ و قوی یا خویشاوندان مهم، نقش سرمایه اجتماعی را بازی می‌کنند.



شکل ۱. مدل نظری - مفهومی پژوهش

¹ Ferguson & Mindal

فرضیه‌ها

۱. بین تعلق طایفه‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۲. بین اعتماد محله‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۳. بین رعایت هنجارهای درونی‌شده و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۴. بین مشارکت محله‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۵. بین مدت سکونت در محله و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۶. بین سن و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.
۷. میزان هراس از تعرض در بین زنان و مردان متفاوت است.
۸. میزان هراس از تعرض در بین محله‌های شهر خرم‌آباد متفاوت است.

روش‌شناسی

این تحقیق با روش پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه انجام گرفته است. جمعیت آماری این تحقیق شامل کلیه افراد ۱۸-۶۰ سال ساکن در شهر خرم‌آباد است که تعداد آنها براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۴۰۰۰۰ نفر است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و مقادیر $p=0/2$ ، $q=0/8$ و $d=0/05$ در اجرای پیش‌آزمون، ۲۴۵ نفر برآورد گردید که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام شد. برای توصیف متغیرهای تحقیق از جداول یک‌بعدی استفاده شده است. در آزمون فرضیات، از آزمون‌های پیرسون، تی با دو گروه مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. اعتبار پرسش‌نامه با روش اعتبار صوری برآورد شده است. همچنین برای اطمینان از تک‌بعدی بودن مقیاس‌ها و عدم هم‌پوشانی آنها از تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است (دواس، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

جدول ۱. نتایج تحلیل عامل تأییدی برای ارزیابی تک‌بعدی بودن مقیاس‌ها

مقیاس	KMO	واریانس تبیین شده	p
هراس از تعرض	۰/۸۵۱	۰/۶۹	۰/۰۰۱
تعلق طایفه‌ای	۰/۷۸۳	۰/۵۹	۰/۰۰۱
اعتماد محله‌ای	۰/۷۶	۰/۶۹	۰/۰۰۱
رعایت هنجارهای درونی‌شده	۰/۶۴۹	۰/۵۸	۰/۰۰۱
مشارکت محله‌ای	۰/۸۲۶	۰/۶۴	۰/۰۰۱

برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، ضریب آلفای کرونباخ به کار گرفته شده است. بدین صورت که پرسش‌نامه اولیه در نمونه‌ای به حجم پنجاه نفر مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات لازم، پرسش‌نامه نهایی تدوین و در بین نمونه توزیع گردید.

جدول ۲. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های تحقیق

مقیاس	α
هراس از تعرض	.۹۳
تعلق طایفه‌ای	.۸۹
اعتماد محله‌ای	.۸۵
رعایت هنجارهای درونی‌شده	.۷۴
مشارکت محله‌ای	.۸۵

در نهایت، برای آزمون رابطه متغیرهای مکنون با هم و با متغیرهای آشکار از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Lisrel 8.8 استفاده شده است.

سنجش‌ها

هراس از تعرض: این متغیر با معرف‌های سرقت از منزل، سرقت خودرو یا لوازم آن، سرقت تلفن همراه یا کیف، تعرض به پسران نوجوان، سرقت زیورآلات از دختران کوچک، تعرض به زنان و دختران، حمله فیزیکی یا زورگیری و متلک گفتن به زنان و دختران سنجش شده است.

تعلق طایفه‌ای: احساس افتخار از تعلق داشتن به طایفه بزرگ، ضرورت داشتن دایی‌ها و عموهای زوردار، کسب اجازه از بزرگان فامیل در کارهای مهم، ارتباط با اقوام و خویشاوندان دور، حمایت اقوام در بروز سختی‌ها، رفت‌وآمد با اقوام روستایی.

اعتماد محله‌ای: پول قرض دادن به همسایه، کالا قرض دادن مغازه محل به افراد محله، سپردن خانه به همسایه‌ها، یکی بودن ظاهر و باطن آدم‌ها در محله.

رعایت هنجارها: احساس تکلیف فردی برای حل مسائل محله، از خودگذشتگی برای همسایگان، همدلی برای حل مسائل محله، احساس مفیدبودن برای جامعه.

مشارکت محله‌ای: رسیدگی به خانوارهای بی‌سرپرست محله، شرکت در جلسات کوچه یا محله، همکاری جهت حفظ امنیت محله، ارتباط با هم‌محله‌ای‌ها برای حل مسائل محله، مشارکت با همسایگان برای نظافت محله.

یافته‌ها

توصیف یافته‌ها

توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب جنسیت نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از نمونه تحقیق مرد و ۴۷ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی برای مردان ۳۳ سال و برای زنان ۲۹ سال بوده است. از هفت محله مورد بررسی، ۲۴ درصد پاسخ‌گویان ساکن محله‌های پشت بازار و درب دلاکان، ۳۴ درصد ساکن ناصرخسرو، ۲۱ درصد ساکن بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو، و ۲۱ درصد نیز ساکن محله‌های چهارراه بانک و مطهری بوده‌اند.

جدول ۳. توزیع نسبی گویه‌های هراس از تعرض (درصد)

ردیف	هراس از تعرض	زیاد	متوسط	کم
۱	سرقت از منزل	۷۰	۲۰	۱۰
۲	سرقت خودرو یا لوازم آن	۸۱	۱۳	۶
۳	سرقت تلفن همراه یا کیف	۴۸	۲۱	۳۱
۴	تعرض به پسران نوجوان	۵۸	۱۴	۲۸
۵	سرقت از دختران کوچک	۴۷	۱۷	۳۶
۶	تعرض به زنان و دختران	۴۸	۱۳	۳۹
۷	حمله فیزیکی یا زورگیری	۴۱	۱۵	۴۴
۸	متلک گفتن به زنان و دختران	۵۱	۱۵	۳۴
۹	هراس از تعرض کل	۵۵	۱۶	۲۹

جدول (۳) نشان‌دهنده توزیع نسبی معرف‌های متغیر وابسته تحقیق (هراس از تعرض) است. همان‌طور که یافته‌های این جدول نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان احتمال زیاد و بسیار زیادی می‌دهند که منزلشان در نبود خود ممکن است مورد سرقت قرار گیرد. حدود ۸۱ درصد سرقت خودرو یا لوازم آن را محتمل می‌دانند. حدود ۵۷ درصد افراد مورد مطالعه احتمال تعرض به پسران نوجوان را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. حدود ۴۰ درصد افراد مورد مطالعه معتقدند که احتمال حمله فیزیکی یا زورگیری زیاد و خیلی زیاد است. به‌طور کلی بعد از جمع‌کردن کلیه گویه‌های این متغیر و تقسیم دامنه به سه گروه، نتایج از این قرار است که ۴۴/۵ درصد ترس زیادی از در معرض جرم قرارگرفتن دارند، همچنین، ۳۷/۷ درصد متوسط و ۱۷/۸ درصد نیز از اینکه در معرض جرم قرار بگیرند ترس کمی دارند. ضمناً میانگین و انحراف استاندارد شاخص مورد نظر به‌ترتیب ۱۹/۶۸ و ۹ است.

جدول ۴. توصیف متغیرهای مستقل

ردیف		زیاد	متوسط	کم	M	SD
۱	مشارکت محله‌ای	۴۵ درصد	۴۱/۴ درصد	۱۳/۶ درصد	۱۲/۶۴	۵/۰۰
۲	رعایت هنجارهای درونی‌شده	۴۷/۱ درصد	۲۹/۸ درصد	۲۳ درصد	۹/۰۰	۳/۶۵
۳	اعتماد محله‌ای	۳۷/۷ درصد	۴۲/۳ درصد	۲۰ درصد	۱۳/۸۰	۳/۸۲
۴	تعلق طایفه‌ای	۶۷ درصد	۳۱/۹ درصد	۱/۱ درصد	۱۸/۹۰	۶/۵۱

با توجه به جدول شماره (۴)، ۱۳/۶ درصد پاسخ‌گویان مشارکت محله‌ای کم، ۴۱/۴ درصد متوسط و ۴۵ درصد زیاد دارند. همین‌طور، ۱۳/۶ درصد پاسخ‌گویان هنجارهای همسایگی را کم، ۴۱/۴ درصد متوسط و ۴۵ درصد نیز زیاد رعایت می‌کنند. در رابطه با اعتماد محله‌ای، ۲۰ درصد پاسخ‌گویان اعتماد کم، ۴۲/۳ درصد اعتماد متوسط و ۳۷/۷ درصد اعتماد زیادی به هم‌محله‌ای‌هایشان دارند. میزان تعلق طایفه‌ای نیز در ۶۷ درصد پاسخ‌گویان زیاد، ۳۱/۹ درصد متوسط و ۱/۱ درصد کم است.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه شماره ۱: بین تعلق طایفه‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد. با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۵. ضریب رگرسیونی تأثیر تعلق طایفه‌ای بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۳۱/۹۳	-	۱۷/۹	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸
تعلق طایفه‌ای	-۰/۴۵	-۰/۴۶۷	-۷/۲۶	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، ضریب تعیین ۰/۲۱۸ است. یعنی تعلق طایفه‌ای حدود ۲۲ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که جهت ضریب بتا نشان می‌دهد، رابطه معکوسی بین دو متغیر وجود دارد ($\beta = -0/467$). مشارکت‌کنندگانی که از احساس تعلق بیشتری به طایفه خود برخوردار بودند، هراس از تعرض کمتری داشتند، چون که احساس می‌کنند که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند. این افراد معتقدند که در بیشتر محله‌ها و فضای شهری خرم‌آباد دارای فامیل و خویشاوند هستند، به عبارت دیگر، قرارگرفتن در جمع آشنایان به آنها آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری می‌دهد. پژوهش‌های گذشته اغلب از لرستان به‌عنوان جامعه‌ای طایفه‌گرا یاد کرده‌اند. (حسین‌زاده، ۱۳۸۰؛ یوسفی ۱۳۸۰ و فکوهی، ۱۳۸۱). تعلق طایفه‌ای یا طایفه‌گرایی اغلب با عناوینی چون خاص‌گرایی و جمع‌گرایی در پژوهش‌های متعدد گاه به‌عنوان محدودیت و تنگنا و گاه به‌عنوان تسهیل‌کننده روابط اجتماعی مورد اشاره قرار گرفته است. با وجود آثار منفی زیادی که بر این مفهوم مترتب است، در پژوهش حاضر به‌عنوان عامل ایجادکننده احساس آرامش و اعتمادبه‌نفس مورد مطالعه قرار گرفته است.

فرضیه شماره ۲: بین اعتماد محله‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد. با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۶. ضریب رگرسیونی تأثیر اعتماد محله‌ای بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۳۸/۹۰	-	۱۹/۴۵۹	۰/۰۰۱	۰/۳۴۵
اعتماد محله‌ای	-۱/۳۹	-۰/۵۹۰	-۹/۹۷۱	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، ضریب تعیین برابر با ۰/۳۴۵ است. یعنی اعتماد افراد به هم‌محله‌ای‌هایشان حدود ۳۴ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که علامت منفی ضریب بتا نشان می‌دهد، رابطه معکوسی بین دو متغیر

وجود دارد ($\beta = -0/590$). به این صورت که اعتماد باعث نوعی همبستگی و یگانگی بین افراد شده و افراد در درون این دایره خود را یگانه می‌پندارند. بنابراین احساس ترس و ناشناختگی کمتری از یکدیگر دارند و یکدیگر را به‌عنوان دشمن معرفی نمی‌کنند.

فرضیه شماره ۳: بین رعایت هنجارهای درونی‌شده و هراس از تعرض رابطه وجود دارد. با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۷. ضریب رگرسیونی تأثیر رعایت هنجارها بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۳۹/۵۴	-	۱۸/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰
هنجارها	-۱/۰۹۳	-۰/۴۴۳	-۶/۷۸۶	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول شماره (۷) نشان می‌دهد، ضریب تعیین ۰/۲۰ است. یعنی رعایت هنجارهای همسایگی ۲۰ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که علامت منفی ضریب بتا نشان می‌دهد، رابطه معکوسی بین دو متغیر وجود دارد ($\beta = -0/443$). درونی‌کردن و رعایت هنجارهای مربوط به همسایگی موجب می‌شود که افراد همسایگان را عضوی از خانواده خود بدانند و نسبت به آنها رفتاری انسان‌دوستانه داشته باشند. ارزش‌هایی مثل عدم آزار دیگران، رعایت حقوق دیگران، کمک به افراد ضعیف فامیل و غیرخویشاوند می‌تواند در کاهش احساس تعرض تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. رعایت حقوق همسایگان در متون دینی نیز مورد تأکید جدی قرار گرفته است. در این مورد پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «به من ایمان نیاورده است آن کس که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. به من ایمان نیاورده است آن کس که شب پوشیده بخوابد و همسایه‌اش برهنه باشد» (طبرسی، ۱۲۵۴-۱۳۲۰ ه.ق).

فرضیه شماره ۴: بین مشارکت محله‌ای و هراس از تعرض رابطه وجود دارد. با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۸. ضریب رگرسیونی تأثیر مشارکت محله‌ای بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۳۲/۴۲۴	-	۲۲/۷۱۵	۰/۰۰۱	۰/۱۹
مشارکت محله‌ای	-۱/۰۰۸	-۰/۵۷۴	-۹/۶۳۲	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول شماره (۸) نشان می‌دهد، ضریب تعیین ۰/۱۹ است. یعنی مشارکت محله‌ای ۱۹ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که علامت منفی ضریب بتا نشان می‌دهد، رابطه معکوسی بین دو متغیر وجود دارد ($\beta = -0/574$).

مشارکت در امور محله از یک سو موجب آشنایی افراد محله با یکدیگر شده و این امر به نوبه خود موجب کاهش ترس ناشی از ناشناختگی افراد با هم می‌شود. از سوی دیگر، افراد حین مشارکت با یکدیگر آشنا شده و بدین ترتیب، شبکه روابط شکل گرفته و احساس تعلق به همدیگر به وجود می‌آید. افرادی که یکدیگر را می‌شناسند از هم حمایت می‌کنند و حس حمایت متقابل منجر به کاهش هراس از تعرض در بین آنها می‌شود. وجود رابطه مثبت بین مشارکت و کاهش هراس از تعرض در پژوهش‌های گذشته مانند سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹)، جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۲) و احمدی و عربی (۱۳۹۲) نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

فرضیه شماره ۵: بین مدت سکونت و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.

با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۹. ضریب رگرسیونی تأثیر رعایت هنجارها بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۲۲/۳۳۶	-	۲۳/۰۸۱	۰/۰۰۱	۰/۰۶۵
مدت سکونت	-۰/۲	-۰/۲۲۵	-۳۰/۶۲۶	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد، ضریب تعیین ۰/۰۶۵ است. یعنی مدت سکونت در محله حدود ۶ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که علامت منفی ضریب بتا نشان می‌دهد، رابطه معکوسی بین دو متغیر وجود دارد ($\beta = -0.225$). هرچه مدت سکونت در یک محله افزایش پیدا کند، افراد شناخت بیشتر و عمیق‌تری نسبت به هم پیدا می‌کنند. شناخت متقابل به‌طور مستقیم موجب کاهش ترس افراد از یکدیگر می‌شود. همچنین، سکونت زیاد در یک محله موجب می‌شود که افراد همدیگر را به‌عنوان یک خانواده بشناسند و حمایت از یکدیگر را به‌عنوان وظیفه قلمداد کنند. موضوع بازشناسی هم‌محله‌ای به‌عنوان خانواده خود بارها در ادبیات، هنرها و داستان‌های فارسی مورد تأکید قرار گرفته است، برای نمونه می‌توان به فیلم سینمایی اخراجی‌های یک (ده‌نمکی) اشاره کرد. ضمناً اهمیت مدت سکونت در کاهش هراس از تعرض در پژوهش‌های پیشین نیز ازجمله احمدی، عربی و صادق‌زاده تبریزی (۱۳۹۱)، رضوان و فتحی (۱۳۹۱) مورد حمایت قرار گرفته است.

فرضیه شماره ۶: بین سن و هراس از تعرض رابطه وجود دارد.

با توجه به فاصله‌ای بودن سطح سنجش دو متغیر مذکور از آماره رگرسیون خطی برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود.

جدول ۱۰. ضریب رگرسیونی تأثیر سن بر هراس از تعرض

متغیر	b	β	t	p	R^2
α	۱۲/۵۷۹	-	۷/۲۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۹۲
سن	۰/۲۳۵	۰/۳۰۳	۴/۳۷۸	۰/۰۰۱	

همان‌طور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، ضریب تعیین ۰/۰۹۲ است. یعنی متغیر سن به‌طور متوسط حدود ۰/۰۹ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کند. از سوی دیگر، همان‌گونه که جهت ضرایب رگرسیون (بی و بتا) نشان می‌دهند، رابطه مستقیم و معناداری بین دو متغیر وجود دارد. ناتوانی جسمی و کاهش قدرت دفاعی افراد مسن در برابر مخاطرات است که تبیین‌کننده چرایی این فرضیه است. این یافته را پژوهش‌های گذشته از جمله تحقیق رضوان و فتحی (۱۳۹۱) مورد حمایت قرار داده‌اند.

فرضیه شماره ۷: میزان هراس از تعرض بین زنان و مردان متفاوت است.

جدول ۱۱. آزمون t با دو نمونه مستقل برای بررسی تفاوت هراس از تعرض در بین زنان و مردان

جنس	n	M	SD	MD	t	p
مرد	۹۰	۱۸/۲۲	۹/۳۰	۰/۶۷	۲/۱۳۲	۰/۰۳
زن	۱۰۱	۲۰/۹۹	۸/۶۳			

MD= اختلاف میانگین

با توجه به نتایج جدول شماره (۱۱)، تفاوت معناداری بین زنان و مردان مورد بررسی به لحاظ هراس از تعرض وجود دارد. به‌طوری‌که میانگین هراس از تعرض در زنان (۲۰/۹۹) بیشتر از مردان (۱۸/۲۲) است ($p < ۰/۰۵$, $t = ۲/۱۳۲$). بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. **فرضیه شماره ۸:** میزان هراس از تعرض در بین محلات شهر خرم‌آباد متفاوت است.

جدول ۱۲. آزمون F برای بررسی تفاوت هراس از تعرض در بین محلات گوناگون

منبع تغییرات	SS	MS	df	F	p
بین گروهی	2199/921	549/980	4	7/677	۰/۰۰۱
درون گروهی	13325/231	71/641	186		
مجموع	15525/152	-	190		

با توجه به نتایج جدول شماره (۱۲) می‌توان گفت بین محله‌های مورد بررسی (علوی، پشت بازار و درب دلاکان، بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو، ناصرخسرو، چهارراه بانک و مطهری) به لحاظ هراس از تعرض تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$, $F = ۷/۶۷۷$). لذا فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود. نظر به اینکه آزمون آنووا مشخص نمی‌کند تفاوت مشاهده‌شده بین کدام محله‌ها قرار دارد، لذا برای تشخیص مکان این تفاوت از آماره شفه استفاده می‌شود.

محله‌ها (I)	محله‌ها (J)	MD	p
پشت بازار و درب دلاکان	ناصرخسرو	۶/۲۹	۰/۰۰۱
پشت بازار و درب دلاکان	بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو	۶/۶۵	۰/۰۱
چهارراه بانک و مطهری	ناصرخسرو	۶/۴۶	۰/۰۵
چهارراه بانک و مطهری	بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو	۶/۸۲	۰/۱۰

همان‌طور که جدول شماره (۱۳) نشان می‌دهد، میانگین متغیر هراس از تعرض محله‌های پشت بازار و درب دلاکان به گونه‌ای معنادار بیشتر از محله ناصرخسرو است. میانگین متغیر هراس از تعرض محله‌های پشت بازار و درب دلاکان، بیشتر از محله‌های بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو می‌باشد. میانگین متغیر هراس از تعرض محله‌های چهارراه بانک و مطهری نیز بیشتر از محله ناصرخسرو است. همچنین، میانگین متغیر هراس از تعرض محله‌های چهارراه بانک و مطهری از محله‌های بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو بیشتر است. علت اینکه میانگین هراس از تعرض در محله‌های پشت بازار و درب دلاکان بیشتر است از محله‌های ناصرخسرو، بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو، این است که دو محله مذکور دارای انگ بدنامی هستند. از نظر بافت شهری، قدیمی، دارای کوچه‌های تنگ و تاریک فراوانی هستند، همچنین دارای خانه‌های مخروبه بیشتر، مشهور به مسکون‌بودن افراد ضداجتماعی، فروشنده مواد مخدر و خشن هستند. برای توجیه دلایل هراسناک‌بودن محله‌های چهارراه بانک و مطهری نسبت به محله‌های ناصرخسرو، بلوار ۶۰ متری و فاز یک کیو نیز می‌توان به مواردی شامل: ۱- دو محله مورد نظر بخشی از بازار خرم‌آباد را تشکیل می‌دهند، از سبزه‌میدان تا میدان شهدا و دو طرف خیابان شهدای شرقی که محل تردد شهروندان زیادی هستند و دست‌فروشان زیادی بساط پهن کرده و کاسبی می‌کنند، برخورد شدید شهرداری با آنها و تعقیب و گریز نیروی انتظامی و دست‌فروشان، فضای هراسناکی را برای شهروندان فراهم می‌کند. ۲- در حین تحقیق، پژوهشگر به موارد متعددی از سرقت موتور سیکلت در سه‌راهی مطهری، به‌ویژه جلوی پاساژ آرش برخورد نمود که از نظر مغازه‌داران آن حوالی علتی جدی برای هراس از تعرض محسوب می‌شوند. پاسخ‌گویان اظهار می‌داشتند که برخی از مشتریان‌شان از دزدیده‌شدن ضبط‌صوت خودروی خود هراس دارند.

^۱ در این آزمون تنها مقایسه‌هایی که معنادار بودند گزارش شده‌اند و از گزارش سایر مقایسه‌ها جلوگیری شده است.

تحلیل رگرسیونی اثرات ابعاد سرمایه اجتماعی بر هراس از تعرض

جدول ۱۴. خلاصه برازش مدل رگرسیونی

p	df	F	R	R^2	$R^2_{Adj.}$
۰/۰۰۱	۵	۵/۹۰	۰/۷۶۷	۰/۵۸۸	۰/۵۷۷

همان‌طور که جدول شماره (۱۴) نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین ۰/۵۸۸ است. یعنی متغیرهای واردشده در مدل رگرسیونی حدود ۵۹ درصد از تغییرات هراس از تعرض را تبیین می‌کنند. یا به عبارتی دیگر حدود ۵۹ درصد از تفاوت هراس از تعرض در بین شهروندان خرم‌آبادی به علت متغیرهای واردشده در مدل است.

جدول ۱۵. ضرایب رگرسیونی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر هراس از تعرض

متغیرها	B	β	t	p
α	۱۷	-	۵/۱۳	۰/۰۰۱
تعلق طایفه‌ای	-۰/۲۴۳	-۰/۱۷۵	۳/۲۵۵	۰/۰۰۱
اعتماد محله‌ای	-۰/۸۳۸	-۰/۳۵۵	۶/۵۵۹	۰/۰۰۱
مشارکت محله‌ای	-۰/۵۸۰	-۰/۳۳۰	۶/۱۵۲	۰/۰۰۱
رعایت هنجارها	-۰/۳۵۹	-۰/۱۴۶	-۲/۷۳۹	۰/۰۰۱
سن	۰/۱۰۸	۰/۱۴۶	-۲/۹۹۷	۰/۰۰۱

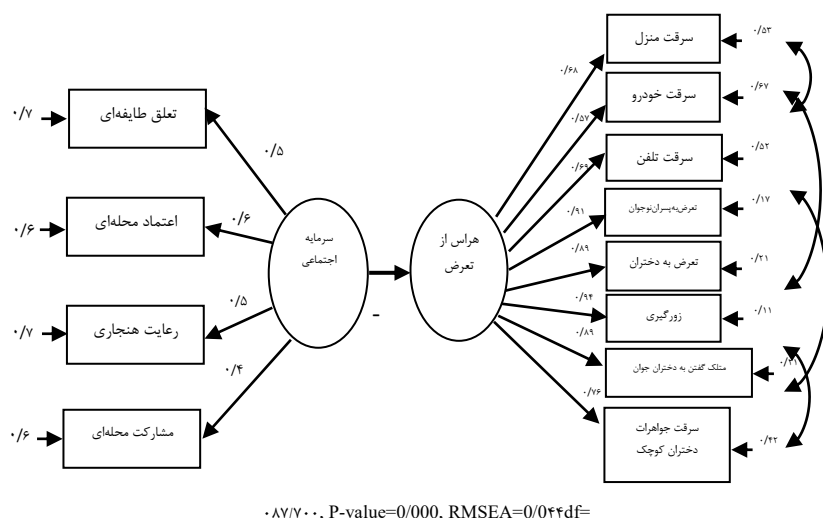
همان‌طور که جدول (۱۵) نشان می‌دهد، اعتماد محله‌ای بیشترین نقش ($\beta = -0/355$) را در پیش‌بینی هراس از تعرض دارد. بعد از اعتماد محله‌ای، متغیرهای مشارکت محله‌ای ($\beta = -0/330$)، تعلق طایفه‌ای ($\beta = -0/175$)، رعایت هنجارها ($\beta = -0/146$) و سن ($\beta = 0/108$) به‌طور مشترک به ترتیب متغیرهای پیش‌بینی‌کننده هراس از تعرض در شهروندان خرم‌آبادی هستند.

مدل‌سازی معادلات ساختاری

در این بخش روابط بین متغیرهای پنهان یعنی سرمایه اجتماعی و هراس از تعرض با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در شکل شماره (۱) منعکس شده است. طبق این شکل، مهم‌ترین و به عبارتی شایع‌ترین معرف‌های هراس از تعرض در محله‌های شهر خرم‌آباد به ترتیب اهمیت شامل زورگیری، تعرض به پسران نوجوان و تعرض به دختران و زنان است.

همان‌طور که شکل مذکور نشان می‌دهد، میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر هراس از تعرض ۰/۶۵- است. به این معنی که کاهش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش هراس از تعرض می‌شود. در مدل‌سازی معادلات ساختاری، برخلاف مدل‌های رگرسیونی که از یک شاخص (ضریب تعیین) برای سنجش برازش استفاده می‌شود، از شاخص‌های متفاوت و متنوعی برای سنجش

برازش مدل استفاده می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹). شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. بدین‌گونه که شاخص کای اسکویئر نسبتی $\frac{\chi^2}{df}$ برابر ۲/۴ است که در معادلات ساختاری نشان‌دهنده برازش خوب مدل است. مقدار شاخص نیکویی برازش GFI برای مدل ۰/۹۱ است. شاخص دیگر AGFI است که شکل تصحیح‌شده شاخص نیکویی برازش GFI است، مقدار این شاخص نیز ۰/۸۵ است. همچنین، مقدار شاخص برازش هنجار شده (NFI)، ۰/۹۷ است. شاخص دیگر شاخص برازش تطبیقی (CFI) است که مقدار آن برای مدل برازش‌شده ۰/۹۸ است. به‌طور کلی، دامنه شاخص‌های مذکور بین ۱-۰ قرار دارد که هرچه به عدد یک نزدیک‌تر شود به معنای برازش خوب مدل است.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری تأثیر سرمایه اجتماعی بر هراس از تعرض

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که شایع‌ترین معرف‌های هراس از تعرض در محله‌های شهر خرم‌آباد به‌ترتیب اهمیت شامل زورگیری، تعرض به پسران نوجوان و تعرض به دختران و زنان است. رابطه بین ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی — اعتماد محله‌ای، تعلق طایفه‌ای، مشارکت محله‌ای و رعایت هنجارهای درونی‌شده — مورد تأیید داده‌های تجربی نیز قرار گرفت. همچنین، رابطه نظریه سرمایه اجتماعی و هراس از تعرض به‌وسیله مدل‌سازی معادلات ساختاری تأیید گردید. سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم بسیار مهم در جامعه‌شناسی معاصر است که در بررسی و تحلیل کمیت و کیفیت روابط اجتماعی به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر

می‌توانند به‌دست آورند (شارع‌پور، ۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، یکی از مقولات و عناصر بنیادین در برقراری تعامل اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). همچنین، در تحقق نظم اجتماعی و زندگی روزمره نیز عنصری ضروری و حیاتی به شمار می‌آید (چلبی، ۱۳۷۵).

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که در میان ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی، اعتماد محله‌ای قوی‌ترین تأثیر را در پیش‌بینی هراس از تعرض دارد. نظریه‌پردازان معتقدند که اعتماد شالوده زندگی است و بی‌اعتمادی سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها است. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه ناشی از بی‌اعتمادی است. اگر مردم به ورطه دورویی و چندشخصیتی شدن سوق می‌یابند، به خاطر این است که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی جامعه تنزل یافته است و آنها دچار سرخوردگی از مقوله اعتماد گشته و در نتیجه به انجام چنین اعمالی مبادرت می‌کنند (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۲). رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در تحقیقات گذشته مانند احمدی و عربی (۱۳۹۲) نیز تأیید شده است. به عبارت دیگر هر جا که تعامل اجتماعی، هم‌بستگی و اعتماد افراد به یکدیگر زیاد باشد، متقابلاً از میزان پدیده‌هایی مثل احساس ناامنی و هراس از تعرض کاسته می‌شود و بر احساس امنیت و آرامش خاطر افراد افزوده می‌شود.

با توجه به وجود پدیده جمع‌گرایی، طایفه‌گرایی و اهمیت روابط خویشاوندی در خرم‌آباد (فکوهی، ۱۳۸۱؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۲) در تحقیق حاضر تعلق طایفه‌ای به‌عنوان بعدی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شد. یافته‌ها نشان داد بیش از نیمی از افراد مورد بررسی تعلق زیادی به طایفه خود ابراز کرده‌اند. همچنین متغیر مذکور رابطه معکوسی با هراس از تعرض دارد. لذا در بسترهای اجتماعی مانند شهر خرم‌آباد که هنوز پیوندهای سنتی نسبتاً قوی مانده‌اند، استفاده از متغیر تعلق طایفه‌ای می‌تواند به‌عنوان بعدی از سرمایه اجتماعی (در شکل سنتی آن) مفید واقع شود. بنابراین می‌توان گفت طایفه‌گرایی شاید در حوزه‌هایی کارکرد منفی داشته باشد، اما در زمینه ترس از تعرض نقش مثبتی را ایفا می‌کند.

همان‌طور که تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد، به رغم وجود سرمایه اجتماعی بالا، هراس از تعرض بالا است. این شاید در نگاه اول یک تعارض باشد ولی شاید بتوان علت این تناقض ظاهری را در این دانست که در جامعه مورد مطالعه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهي و درون‌قومي به‌خاطر غالب‌بودن مناسبات سنتی بالا بوده ولی سرمایه اجتماعی برون‌گروهي پایین است. در نتیجه، افراد نسبت به کسانی که بیرون از دایره فامیلی و خویشاوندی هستند، حمایت اجتماعی کمتری نشان داده و نسبت به آنها نگرش دوستانه‌ای ندارند. یعنی در نبود نهادهای حمایتی قوی سنتی و مدرن، احتمال اینکه افراد و خانواده‌های غیرخودی در معرض تعرض بیشتری

باشند، افزایش پیدا می‌کند. بحث خودی و غیرخودی در محله‌های خرم‌آباد حضوری جدی دارد. به این صورت که ساکنین یک محله به افرادی که در محله دیگر زندگی می‌کنند برچسب زده و سعی در دوری‌گزیدن از آنها دارند. این موضوع در فرآیند گردآوری داده‌ها به‌طور متعددی تجربه شد. برای نمونه، ساکنین برخی محلات ساکنان محلات دیگر را خشن و ضداجتماعی جلوه می‌دهند و با برچسب‌زدن آنها را از دایره خودی‌ها کنار می‌گذارند. بنابراین شاید بتوان این تناقض را بدین شکل برطرف کرد.

پیشنهاده‌ها

برای افزایش سرمایه محله‌ای و متعاقب آن کاهش هراس شهروندان از تعرض، اهتمام به راه‌کارهایی برای ارتقای سرمایه اجتماعی ضروری است.

۱. سیاست‌گذاران می‌توانند به‌منظور گسترش روابط افراد محله با یکدیگر و افزایش حجم کنش متقابل آنها، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری شوراهای محله‌ای را تسهیل کنند. شوراهای محله به‌عنوان نمودی از جامعه مدنی، به نوبه خود می‌توانند موجب تشکیل شبکه‌های منسجمی از روابط اجتماعی شوند. وجود شوراهای محله منجر به احساس تعلق بیشتر افراد به محله‌شان می‌شود و میزان اعتمادشان به هم‌محله‌ای‌ها افزایش پیدا می‌کند، همچنین موجب می‌شود خود را در مسائل و مشکلات محله سهیم بدانند و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی‌شان افزایش یابد.

۲. سیاست‌گذاران می‌توانند با همکاری ائمه جماعات در محله‌های مختلف شهر، از طریق حمایت‌های ویژه از برنامه‌ها و مراسم مذهبی، زمینه‌های هم‌افزایی و همیاری بیشتر افراد محله را فراهم کنند. مساجد و حسینیه‌ها مکان‌های بسیار مناسبی برای گردهمایی افراد محله محسوب می‌شوند. با ایجاد کانون‌های اوقات فراغت در مساجد در فصل تابستان، می‌توان افراد محله را از همان سنین نوجوانی و جوانی به سمت مساجد جذب کرد. هیات امنای مساجد می‌توانند برای نظافت محله، کمک به خانواده‌های نیازمند ساکن در محله، دستگیری از افراد ناتوان و... از پتانسیل‌های جوانان محله بهره گیرند. علاوه بر این، موجبات فرهنگ‌سازی و شکل‌دادن به هویت محله‌ای را فراهم کنند.

منابع

- احمدی، ح و عربی، ع (۱۳۹۲) «رابطه بین ساختار محله‌ای و هراس از تعرض: مورد مطالعه شهر کرج»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، شماره ۵ (۱): ۵۹-۳۷.
- احمدی، ح، عربی، ع و صادق‌زاده تبریزی، م (۱۳۹۱) «بررسی مقایسه‌ای عوامل مرتبط با هراس از تعرض زنان و مردان: مطالعه موردی زنان و مردان ساکن شهر کرج»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، شماره ۶ (۱۸): ۲۲-۱.

افشانی، ع. ر، فاضل نجف‌آبادی، س، حیدری، م و نوریان نجف‌آبادی، م (۱۳۸۸) «پژوهشی در باب رابطه دین‌داری و اعتماد محله‌ای»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۹: ۱۸۵-۲۱۷.
امیرکافی، م (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه نمایه پژوهشی*، شماره ۵ (۱۸): ۴۲-۹.

آزاد ارمکی، ت، ترکاری، م و حق ندی، ا (۱۳۹۲) «مطالعه کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری»، *فصلنامه نهادهای اجتماعی*، شماره ۱ (۱): ۳۴-۹.
بیکر، جی. اس (۱۳۸۲) *سرمایه اجتماعی و مدیریت*، ترجمه م. الوانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

پاتنام، ر (۱۳۷۹) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه م. ت. دلفروز، تهران: دفتر مطالعات وزارت کشور.

پایگاه اطلاع‌رسانی سفیر افلاک (۱ شهریور، ۱۳۹۵) «مرگ سفید در کمین جوانان لرستانی/خودکشی ۱۳ لرستانی در چهار ماه نخست امسال»، دسترسی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، از <http://www.safireaflak.ir/khabar/>

پایگاه خبری یافته (۱۴ آذر، ۱۳۹۵) «تحلیل جامعه‌شناختی قاچاق مواد مخدر در لرستان»، دسترسی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، از <http://yaftenews.ir/notes/social/>

پایگاه خبری یافته (۱۹ شهریور، ۱۳۹۵) «کندوکاو اعتیاد در لرستان»، دسترسی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، از <http://yaftenews.ir/notes/social/>

تاجبخش، ک (۱۳۸۵) *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه ا. خاکباز و ح. پویان، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه.

تاجران، ع. ا و کلاکی، ح (۱۳۸۸) «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، *فصلنامه مدیریت انتظامی*، شماره ۴ (۴): ۵۸۶-۵۶۱.

جهانی دولت‌آباد، ر (۱۳۹۲) «بررسی اثرات هویت محله‌ای بر میزان جرائم شهری: مورد پژوهش شهر ورامین»، *فصلنامه دانش انتظامی شرق تهران*، شماره ۱ (۱): ۸۱-۱۰۰.

چلبی، م (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
حسین‌زاده، ف (۱۳۸۰) «گروه‌های قومی در ایران، تشابه‌ها و تفاوت‌ها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۲ (۸): ۶۹-۴۳.

حق ندی، ا، زمانی مقدم، م و سپهوند، ا (۱۳۹۵) «اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی در شهر خرم‌آباد: تفسیر دیدگاه صاحب‌نظران». *نخستین همایش ملی علوم اسلامی، حقوق و مدیریت*، قم، دانشگاه علمی-کاربردی استاندارد قم، ۱-۱۴.

دفتر دانشگاهی انجمن جامعه‌شناسی در استان لرستان (۲۵ مرداد، ۱۳۹۵) «سرقت از منازل: علل اجتماعی و راهکارها»، دسترسی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، از <http://www.isa.org.ir>

دواس، دی. ای (۱۳۸۹) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی. رضوان، ع و فتحی، م (۱۳۹۰) «بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری: در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲ (۴۵): ۳۸۷-۴۱۰. رنانی، م (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی ابزار تولید سعادت»، فصلنامه دریچه، شماره ۴ (۱۴): ۲۳-۷.

زاهدی، م. ج (۱۳۸۲) توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار. سراج‌زاده، س. ح و گیلانی، ا (۱۳۸۹) «بی‌سازمانی اجتماعی و هراس از تعرض: مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۴: ۲۲۳-۲۴۵. شارع‌پور، م (۱۳۸۸) «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، در گروه مؤلفان (ویراستاران)، بررسی مسائل اجتماعی (۴۵-۶۱). تهران: انتشارات پیام نور. صدیق سروستانی، ر. ا و نصر اصفهانی، آ (۱۳۹۰) «مطالعه عوامل مؤثر بر هراس از تعرض در محله‌های شهری: مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳ (۱): ۱۴۹-۱۷۶.

طبرسی، م. ح. ن (۱۳۲۰-۱۲۵۴هـ.ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح م. ری شهری، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث. علیخواه، ف و نجیبی ربیعی، م (۱۳۸۵) «زنان و هراس از تعرض در فضاهای شهری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲: ۱۰۹-۱۲۳. فکوهی، ن (۱۳۸۱) «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۶: ۲۲-۳۶. فوکویاما، ف (۱۳۷۹) پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غ. ع. توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.

قاسمی، و (۱۳۸۹) مدل‌سازی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار Amos، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

قاسمی، و، اسماعیلی، ر و ربیعی، ک (۱۳۸۵) «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶ (۲۳): ۲۲۵-۲۴۹. محمدی، م. ع (۱۳۸۳) طرح سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

یوسفی، ع (۱۳۸۰) «طبقه‌بندی اجتماعی اقوام ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۳ (۹): ۲۰۱-۲۱۳.

Deason, H (2011) Critical Analysis of Fear of Crime on College Campuses, Unpublished Dissertation, University of Texas, Texas.

Ferguson, K. M & Mindal, C. K (2007) 'Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory', *Crime Delinquency*, 53: 322-349.

Hinkle, C. J (2009) Making Sense of Broken Windows: the Relationship between Perception of Disorder, Fear of Crime, Collective Efficacy and Perception of Crime, Unpublished Dissertation, University of Maryland, Maryland.

Jorgensen, J. L (2008) The Effect of Environmental Cues and Social Cues on Fear of Crime in a Community Park Setting, Unpublished Dissertation, University of Utah, Utah.

Nicholson, F. D (2010) Disadvantaged Neighborhoods and Fear of Crime: Does Family Structure Matter, Unpublished Dissertation, University of Oklahoma, Oklahoma.

Scarborough, K. et al (2010) 'Assessing the Relationship between Individual Characteristics, Neighborhood Context, and Fear of Crime', *Journal of Criminal Justice*, 38: 819-826.